



۲۰۱۸/۱۰/۰۷



احسان الله مایار

افغان ها در جستجوی آزادی میهن شان

مختصر بایست به گذشته ها نظر انداخت تا جهت انتباه گیری به آیندگان، در اینجا بحث از افغان های ما است، سندی در سینه تاریخ ثبت نمود.

روزگاری را به یاد داریم کتله ای از خابنین به وطن و ملت که در حالت سُکر جهان خیالی به خود خلق میکردند و با سرنوشت خاک و ملت بهم پیوند خورده افغان ها بازی کردند. این گروهی که در زباله دانی تاریخ سپرده شده بفوای اینکه در حیطة خاکی که زندگی می کردند و نامردانه آنرا وطن می نامیدند بایست حکمرانی کنند و با شعار



های میان تهی و ابله جهت حفظ و بقای خود، پا های کثیف با موزه های روسی را به خاک پاک افغانها وارد کردند و تا که قدرت داشتند گُشتند و بستند - تنور و اجاق ملت فقیر، لیک با غرور افغان ها، را ویران کردند. ملیون ها مادران، پدران و اطفال معصوم افغان را محتاج دیار بیگان کردند که تا امروز در قرن بیست و یکم جنایات ایکه در قرن بیستم با نهایت بی رحمی در حق همان انسان ها روا داشتند، انتها ندارد.



گناه عظیمی خواهد بود به فراموشی بسپریم ملتی را که با دست تهی با کمک محدودی در برابر یک ابر قدرت - گمنام لیک با عقیده راسخ به آزادی مانند شیر جنگیدند و جنگ افزار طاغوتی روس را سوختاندند و با غرور افغانی در پهلوی آتش و نعش تانک مانند فوتوی پهلو به یاد گار گرفتند و یا اینکه هزاران دیگر شان گمنام در کدام دشتی از دشت های افغانستان برای ابد خفتیدند و جوانی

ویا پیری خود را به خاک سپردند. می دایم که با قلم شکسته این عاجز آن طوفانی را که در ذهنم چرخ می زند به خوانندگان رسانده نمی توانم، لیک این هر دو تصویر خود گویا است که ایجاب صحبت را نمی کند.

مختصر کلام کتله اوباش و ناخلفی به نام افغان با همکاری قدرت عظیم نظامی یک کشور بیگانه بالای ملت و خاک افغان نازل شد و بیش از یک دهه جنایت و تباهی دست هلاکو و چنگیز را در پشت شان بستند و خود شان رهسپار جهنم شده و در زباله دانی تاریخ گم شدند.



در پهلوی همان مردان و زنانیکه خود را و هست و بود خود را در راه آزادی وطن بدون در نظر داشت کوچکترین پاداشی به قربانی گذاشتند یک عده بی‌شمار هموطنان شان هر جاهائیکه مهاجر شده بودند، مانند فوتوی پهلوی در فرانکفورت، آلمان غرب، زیر لوای "الله اکبر" و آزادی به مظاهرات می پرداختند. شام ایکه برادر محترم سید عبدالله کاظم با صدها نفر از آزادیخواهان مسلمان زیر بارش برف

صدای آزادی خواهی خود را به دری و ترجمه آن را به آلمانی توسط دخترم ملالی به گوش جهانیان می رساند ثبت تاریخ بوده و فراموش نخواهد شد.

هر افغان مسلمان و آزادیخواه هر جا که بودند ضد نظام مردود خلق و پرچم در کابل می رزمیدند و آرام نبودند تا که موزه های خشن و پاهای کثیف عساکر روس، با دادن تلفات بیش از دوازده هزار گشته و قریب به پنجاه هزار زخمی، از وطن ما رو سیه اخراج گردیدند.

در پهلوی این مظاهرات کسان دیگری، فدائیان خاک و مردم افغان، راه حل معضله افغانستان را آنرا می جستند که از قضاء پروتوکول آن در لابلای کاغذ های انبار شده ام به دستم افتاد که اینک از نظر خوانندگان گرامی گذارش می یابد:

"بسم الله الرحمن الرحيم - و به نستعين

پیشنهاد هیئت مشورتی

هیئت مشورتی بنا بر دعوت حضرت صبغت الله مجددی، رئیس دولت مؤقت، از تاریخ ۲۴ جوزا الی ۶ سرطان ۱۳۶۹ هجری شمسی (۱۶ الی ۳۰ جون ۱۹۹۰ م) به غرض دادن مشوره درباره ارزیابی حالت موجوده افغانستان و نحوه برخورد با آن در پشاور گرد آمد. هیئت با صبغت الله مجددی رئیس دولت و اکثر اعضای حکومت مؤقت، رئیس و اعضای ستره محکمه، رئیس و یک عده از اعضای کمیسیون انتخابات، اکثر رؤسای تنظیم های جهادی مستقر در پشاور، سخنگوی و برخی از اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان مستقر در ایران، یک عده علمای کرام، یک عده قوماندان های جهاد و نیز برخی از شخصیت های قومی ملاقات هائی به عمل آورد. هیئت طی جلسات متعددی در فضای نهایت صمیمانه و مخلصانه پهلوی های مختلف حالت موجوده افغانستان را بررسی و راجع به نحوه برخورد با آن، با احساس مسئولیت در برابر خدا و مردم مسلمان و مجاهد افغانستان تجاویز مقدماتی اتخاذ نمود. این تجاویز، که با کمال اخلاص و صداقت گرفته شده است، بدینوسیله تقدیم می شود. والله الموفق و علیه التکلان اول:

خدا را سپاسگذاریم که ملت مسلمان و مؤمن افغانستان را توفیق عنایت فرمود تا با اخراج قوای متجاوز شوروی از افغانستان یکی از اهداف عمده جهاد را بر آورده سازد. ما در حالیکه تجاوز ظالمانه شوروی را بر حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، حق خود ارادیت، آزادی و مقدسات دینی مردم افغانستان ضد موازین اسلامی می دانیم، یقین کامل داریم که به لطف خداوند بزرگ و ایثار و فداکاری فرزندان مجاهد این سرزمین اهداف دیگر جهاد نیز تحقق می یابد. با آنکه جهاد ملت مسلمان افغانستان منتج به یک سلسله تحولات عمیق سیاسی در ساحه بین المللی و منطقه

گردیده است، که تأثیر آن بیشتر از سایر نهضت های ضد استعماری در جهان معاصر بوده است، متأسفانه بنا بر فقدان یک سازمان مؤثر سیاسی، ملت مجاهد افغانستان تا کنون از ثمره جهاد خویش بهره مند نگردیده است.

تحلیل اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان مؤید آن است که کشور ما در مسیر جهاد دوازده ساله خویش، اکنون در مرحله بسیار حساس، بغرنج قرار گرفته است. تنظیم های جهادی با وجود نقش قابل قدر در جهاد، تا کنون نتوانسته اند یک واحد سیاسی مؤثر را که مورد قبول تام یا اکثریت مجاهدین، مهاجرین و سایر بخش های ملت مسلمان افغانستان باشد، در داخل و یا خارج کشور ایجاد نمایند.

حکومت موقت که توسط شورای مشورتی راولپندی در فبروری ۱۹۸۹ تحت شرایط خاصی بمیان آمد، و در آن تنها هفت تنظیم جهادی مستقر در پشاور عضویت داشتند، تا همین اکنون که مدت ۱۸ ماه از آغاز تأسیس آن می گذرد، به تحقق اهداف مشخصه خویش نایل نشده است.

با وجود سعی و تلاش، از مذاکرات طولانی بین این سازمان سیاسی و تنظیم های مستقر در ایران، نتایج محسوس حاصل نگردیده و زمینه تفاهم و همکاری مشترک با سایر حلقه های با اعتبار جهادی و عناصر قابل رعایت جامعه افغانی نیز فراهم نشده است. در این اواخر اختلاف بین تنظیم های جهادی مستقر در پشاور، که یگانه عناصر متشکل سیاسی موجوده می باشند، ابعاد گسترده تری کسب نموده است که هرگاه، خدای نخواست، بر همین منوال ادامه یابد، داعیه جهاد افغانستان و مصالح علیای کشور را با خطرات جدی مواجه خواهد ساخت. بر عکس آنچه در سنگرهای افتخار آفرین جهاد به ملاحظه می رسد، عقیده عمومی بر آنست که ابتکار سیاسی در ماحول جهاد تا همین اکنون در دست برادران و دوستان ما در سطح منطقه و در سطح بین المللی قرار دارد.

بعد از امضای موافقتنامه های ژنیو، که منعکس کننده تفاهم بین ابرقدرت ها بوده و با توقعات و منافع مردم افغانستان مطابقت کامل نداشت، فاصله بین اهداف جهاد افغانستان و اهداف برادران و دوستان ما در سطح بین المللی و در سطح منطقه وسیع تر گردید. این عوامل، توأم با مسائلی که قبلاً بدان اشاره شد، اثرات منفی بر جریان جهاد و فعالیت های سیاسی مربوط به آن برجای گذاشت. در چنین احوال و شرایط، حکومت دست نشاندۀ شوروی در کابل، با استفاده از کمک های معتدابه نظامی و اقتصادی ماسکو، بحیث حامی آن، و هم با استفاده از فضای سیاسی حاکم بر اوضاع و به کار بردن تاکتیک های فریبکارانه، بر خلاف پیشبینی حلقه های جهادی افغانستان و محاسبه برادران و دوستان ما، تا کنون به حیات خویش ادامه داده است.

به اساس این تحلیل فشرده از اوضاع عمومی کشور، یک بار دیگر تأکید می نمائیم که جهاد افغانستان اکنون در یک مرحله حساس وارد شده است. از نگاه دورنمای سیاسی با ارتباط این وضع و نحوه برخورد به آن، دو امکان مطرح بحث می گردد:

یک- ادامه وضع و حالت موجوده سیاسی

دو - ایجاد یک حالت جدید سیاسی

دوم:

از تحلیل واقعیت ها و دلایل اینکه قبلاً ارائه گردید، چنین بر می آید که حفظ و دوام حالت موجوده سیاسی نه تنها موجبات حصول اهداف جهاد را، طوریکه توقع برده می شود، میسر نمی سازد بلکه خطر آن موجود است که جهاد پُر افتخار ملت مسلمان افغانستان هم از نگاه سیاسی و هم از نگاه نظامی با مشکلات غیر قابل حل مواجه شود.

عقیده عمومی بر آنست تا موقعیکه زمینه انتقال قدرت به دست ملت مجاهد و شهید پرور افغانستان میسر می گردد، جهاد مسلحانه ادامه یابد. البته در موازات این حرکت (که مسئولیت تلفات و تباهی آن به دوش شوروی و عمال آن است) به پیروی از دساتیر والای دین اسلام، از اقدامات سیاسی برای رسیدن به اهداف جهاد نیز استفاده اعظمی صورت گیرد. در روشنی تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح منطقه و با آگاهی کامل از تباهی و بربادی همه جانبه ایکه در اثر تهاجم شوروی و اعمال ضد اسلامی و انسانی گماشتگان آن بر حیات اجتماعی و اقتصادی افغانستان صلح دوست وارد گردیده است، تعقیب این روش کاملاً قابل درک است.

ما اصل انتخابات آزاد را (برای دایر شدن شوروی، لویه جرگه و امثال آن) بحیث وسیله سهمگیری مردم افغانستان در حیات سیاسی کشور کاملاً تأیید می نمائیم. تطبیق این اصل در یک مرحله معین، در صورتیکه فضای مصئون و مساعد میسر باشد و وسیله اغراض نامشروع و برخورد های مسلحانه قرار نگیرد، به مقصد تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی جهاد ضروری است.

با در نظر داشت مطالب فوق، به عقیده ما یگانه راه کوتاه و مؤثر به منظور و رسیدن به اهداف جهاد و تحقق خواسته های ملت رنج کشیده افغانستان، همانا ایجاد یک حالت جدید سیاسی که به وسیله آن زمینه تفاهم و اشتراک مساعی بین مجاهدین، مهاجرین و سایر بخش های جامعه مسلمان افغانی به استثنای گماشتگان شوروی و سایر عناصر الحادی فراهم گردد و همچنان یک ستراتیژی مشترک بمنظور هم آهنگ ساختن تمامی امکانات به مقصد سقوط دادن رژیم کابل و به میان آوردن دوره انتقالی فراهم شود تا ازین طریق زمینه انتقال قدرت به ملت مجاهد افغانستان فراهم گردد.

ما معتقدیم که سازمان سیاسی موجوده می تواند در تأسیس این حالت جدید سیاسی مفید واقع شود. مشکل واقعی حالت موجوده در این امر نهفته است که سازمان سیاسی موجوده از همان آغاز، احتوای مکمل نداشته و تمام عناصر قابل رعایت جامعه افغانی را، طوریکه ملت افغان توقع داشت تمثیل نمی کند. به عقیده ما برای تحقق اهداف والای جهاد باید شرایطی ایجاد گردد که زمینه را بمنظور طرح یک ستراتیژی مشترک غرض تأمین اهداف آتی میسر سازد:

- ۱- ایجاد تفاهم و اشتراک مساعی بین تمام عناصر قابل رعایت جامعه افغانی بشمول عناصریکه در شورای منعقد راولپندی در نظر گرفته نشده بودند.
- ۲- طرح یک پروگرام همه جانبه سیاسی تا به ملت مسلمان و مجاهد افغانستان این اطمینان حاصل شود که اهداف جهاد، که همانا حفظ استقلال و تمامیت ارضی و تأسیس نظامی مبتنی بر اساسات اسلامی و ثقافت افغانی، عاری از هر نوع تعصب و تبعیض می باشد، تأمین شود.
- ۳- در چوکات ستراتیژی مشترک، باید به ملت مسلمان افغانستان این اطمینان حاصل شود که در شرایط سیاسی جدید برای همه افراد کشور زمینه اشتراک آزاد و بدون هرگونه تبعیض در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراهم می گردد.
- ۴- به میان آوردن تفاهم همه جانبه و ایجاد فضای مصئون برای دایر نمودن انتخابات آزاد و عمومی و عاری از فشار خارجی، تا به این ترتیب با انتقال قدرت به مردم مجاهد افغانستان، استقرار اوضاع سیاسی کشور میسر گردد.

هر گاه یک حالت جدید سیاسی، متکی بر یک استراتژی مشترک ایجاد گردد، امکان آن میسر خواهد شد تا شرایط لازم در ساحه ملی و بین المللی جهت انتقال قدرت سیاسی به ملت افغانستان از طریق یک میکانیزم قابل قبول که با منافع ملت مجاهد افغانستان مطابقت داشته باشد، در اسرع وقت فراهم شود.

متوقع هستیم سازمان سیاسی موجوده این پیشنهاد را بطور مسئولانه با رعایت کامل واقعیت ها و شرایط زمانی مورد بررسی عمیق قرار داده و نظر خویش را در زمینه طی مدت کمتر از یک ماه ابراز فرماید. هر گاه سازمان سیاسی موجوده جهاد راجع به تطبیق این پیشنهاد، که همانا لزوم ایجاد یک حالت جدید سیاسی و طرح یک ستراتیژی مشترک می باشد و باید امور آن توسط اشخاص خبیر و مخلص به اهداف جهاد و غیر وابسته به تنظیم ها به راه انداخته شود، توافق داشته باشد، در آن صورت ما در موقفی خواهیم بود که در مورد تحقق این اهداف و نحوه تطبیق آن سهم گیری نمائیم تا به این ترتیب، به ابتکار و حمایت سازمان سیاسی موجوده زمینه برای تشکیل یک حالت جدید سیاسی آماده شود. و من الله التوفیق



از ر به چ: داکتر عبدالصمد حامد، صباح الدین کشکی، داکتر محمد یوسف



از ر به چ: محمد اسحق اخلاقی، همایون آصفی، احسان الله مایار، مخدوم رهین، اسدالله نکته دان، +، +، داکتر ننگیالی طرزی (با علامه + محترمانی نشانی شده که متأسفانه اسم های شان را در یادداشتم نداشتم. همچنان با پوزش از ما بقی محترمان فوتونی نیافتم که نشر شود)

لست اعضاء هیئت مشورتی (به ترتیب الفبا)

۱-انجنیر احسان الله مایار

۲-سید اسدالله نکته دان

۳-داکتر سید مخدوم رهین

۴-صبحاح الدین کشکی

۵-عبدالاحد کرزی

۶-داکتر عبدالحکیم طیبی

۷-حاجی عبدالحی توخی

۸-داکتر عبدالرحمن الفت

۹-داکتر عبدالصمد حامد

۱۰-عبدالعزیز فروغ

۱۱-داکتر عبدالغفور روان فرهادی

۱۲-عبدالقادر نورزائی

۱۳-عبدالاحمد شیرزی

۱۴-داکتر عنایت الله ابلاغ

۱۵- همایون شاه آصفی

۱۶-محمد اسحق اخلاقی

۱۷-انجنیر محمد اکرم

۱۸-داکتر محمد انور شیرزی

۱۹-محمد صدیق راشد سلجوقی

۲۰-محمد گلاب ننگرهاری

۲۱-محمد هاشم المجددی

۲۲- جنرال محمد یحیی نوروز

۲۳- داکتر محمد یوسف

۲۴- داکتر ننگیالی طرزی

یادداشت: جناب داکتر روان فرهادی و جناب گلاب ننگرهای اعضای این هیئت در حالیکه یک سلسله جلسات مشورتی حضور داشتند نسبت به معذرت های شخصی در روز تصویب نهائی این پیشنهادات حاضر نبودند و قبلاً به سفر رفته بودند.

(در یادداشت های بنده از آقایون میرزا آغا جان بارکزی و سید اسحق گیلانی نام برده شده است).

در بالا مثالی از تپش ها و جستجو ها تمثیل شد که در پهلوی آن، پروسه روم که در آن جمعیت تحکیم وحدت مدغم گردیده بود و گروه صلح قبرس در حال تکوین بودند که شاید روزی گشودن گره معضله افغانستان از مایحصل آن همه تلاش ها به دست می آمد.

توجه خوانندگان را یک بار دیگر به: "شاید روزی گشودن گره معضله افغانستان از مایحصل آن همه تلاش ها به دست می آمد." معطوف می دارم.

لیک نظر به گفته ای: "انسان ها می سنجند و خدا می داند" در سال ۲۰۰۱ م گویند که توسط قریب به بیست نفر از اتباع عرب سعودی در امریکا سانحه ای خلق نمودند که در چرخ جهان تغییر عظیمی رونما گردید. مسئول و عامل این حمله تروریستی پای اسامه بن لادن در آن کشانده شد و باید به سزای اعمال خود می رسید. چون سرنوشت این تروریست با تحریک طالبان در افغانستان عجین گردیده بود و طالبان با گروهی بنام ائتلاف شمال در خواجه بهاءالدین در پیکار بودند، طالبان نیز در زمره همکار تروریست تشخیص گردیده و بایست از بیخ و ریشه از بین برده می شد. نیروی عظیم حربی و از تصور خارج یک ابر قدرت به حرکت افتاد و ائتلافیون پیمان اطلس، دوست و سرکار خود را تنها نگذاشته در این پیکار و امحای بن لادن و حامی وی طالبان اشتراک ورزیدند.

ماشینری حربی پیمان بزرگ جهان غرب جهت پیش کاری و خدمت گروه ائتلاف شمال را، که سخت در مضیقه و تنگای حیاتی در قریه کوچکی در شمال افغانستان به نام خواجه بهاءالدین به سر می بردند، تشخیص نمودند و دستگاه عظیم استخبارات جهان غرب به چرخیدن آغاز کرد. متیقّم که خوانندگان علاقمند از اثر گری شروین به اسم "فرست ان" مطلع هستند که شرح مجدد آن خارج از بحث و در این مختصر است.

مقصد این هیچ مدان در نوشتن این مبحث رو به رو قرار دادن دو جریان، یکی یورش و اشغال افغانستان توسط قوای شوروی است که به حمایت کتله ای از خیانت پیشه گان به نام افغان صورت گرفته است و دومی تهاجم و اشغال افغانستان توسط قوای پیمان اطلس است که جهت پیشبرد پلان کار خود کتله ای از متواری شدگان افغان را در خدمت خود گماشتند.

در این سه سطر بالا که در قبال آن با سرنوشت ملیون ها افغان بازی شده است و از آن سال نکبت ۱۹۷۸ م تا امروز ۲۰۱۸ م دوام دارد که هنوز هم خاتمه ندارد یک عالم بگو مگو ها مستور است که ایجاب بحث و مناظره را می کند و بار دیگر من هیچمدان گفتار خود را در یک سؤال اختصار می نمایم که:

"آن دشمن ایکه به نام طالب هزاران شان محو و نابود گردید، امروز بعد از مرور ۱۸ سال و کشته شدن هزاران

انسان عاصی و بیگناه دیگر، چرا کلید حل معضله افغانستان در وجود آنها جستجو می شود؟"

- پس عبرت گیرید ای دارندگان چشم (بینیان).